

سر مقاله

..... ما عوامیم!

ما کجای تاریخ قرار گرفته ایم ؟
و در تحولات اجتماعی و حوادث روز، جزء کدام دسته ایم؟
جزء عوام یاخواص ؟
حقیقت آن است که قبل از جواب به این سوال، باید ابتدا با ارائه تعریف، منظور از عوام و خواص مشخص شود.
یادش بخیر! ایام سازندگی بود و امید به ساخت و ساز کشور در همه زنده بود و اما غفلت از اوضاع فرهنگی، مشهود.
رئیس دولت سازندگی هراز چندگاهی مصاحبه هایی می کردند که گاه عمومی بود و گاه اختصاصی.
(و انصافا مصاحبه هایی قوی و به یاد ماندنی.
_ چه در زمان جنگ که ایشان رئیس مجلس بودند و چه در دوران سازندگی _
از ایشان به یادگار مانده است و در مقایسه با رئیس دولت «توسعه سیاسی» باید گفت صد رحمت به اولی؛
چراکه دومی هیچ راضی به مصاحبه عمومی مطبوعاتی نشد که نشد؛ بگذریم.)

رئیس دولت سازندگی یکبار در مصاحبه با مدیران مسئول جراید مهم آن روز، در جواب به اعتراض مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی، شیخ مسیح مهاجری _ که اتفاقا از مریدان سینه چاک ایشان بود و هست _ در مورد افزایش حقوق مدیران ، گفت :
«این هم از آن موضوعات «عوامانه ای» است که روزنامه جمهوری همیشسه به آن دامن می زند و ...»
یکبار هم در مصاحبه ای که تلویزیون هم پخش می کرد در جواب خبرنگار کیهان که در باره تولید «کوکاکولا» در ایران سوال کرده بود ، مخالفت با تولید کوکاکولا را «عوامانه» خواند.

اگر مخالفت با «ورود کمپانی های امریکایی» ، که علاوه برمضرات اقتصادی و بیکاری کارگران و... آفات فرهنگی و اجتماعی هم در پی داشت، یا مخالفت با افزایش بی رویه ی حقوق رؤسا و مدیران و ایجاد شکاف و تبعیض، نشانه ی عوام بودن محسوب شود،
آنروز بسیاری از مردم ایران، عوام بودند.
اتفاقا همان عوام به ایشان روی خوش نشان ندادند.
تا جایی که مشارکت در دو دوره ی انتخابات ریاست جمهوری در زمان ایشان، پایین ترین میزان مشارکت است : ۵۴ و ۵۰ درصد.
و بعدها هم در دوم خرداد ۲۰ میلیون نفر به کسی رای دادند که گمان می کردند «او برای تغییر آمده است.»

به هر حال امروز هم ما عوامیم.
چرا که سفرهای استانی و جلسات هیئت دولت در مراکز استانها را می پسندیم.
عوامیم چون سفر های خارجی احمدی نژاد و سخنرانی شجاعانه اش را می پسندیم.
عوامیم چراکه بی اعتنایی احمدی نژاد به احزاب و پدرسالاران و پدرخوانده ها را خوش می داریم.
و عوامیم چون با تسریع در پروژه های عمرانی، قاطعیت در اجراء، و پرکاری و مردم داری این دولت موافقیم.

در این سیستم ارزشی، خواص کیانند؟
خواص همانانند که در سیاست خارجی، تضمین به اتحادیه اروپادادند؛ همانان که از سید حسن نصرالله خواستند مقاومت را ترک کند؛ همان جمعی که در سععدآباد با سولانا به معاشقه نشستند.
خواص همانانند که در ایام انتخابات ۸۴ ، میلیون ها ایرانی، مناظره مستفرعانه آنان را علیه احمدی نژاد دیدند و شنیدند که چقدر با تکبر سخن می گفتند.
خواص همانانند که بودجه جاری چهار و نیم تریلیون تومانی را در سال ۷۶ به مبلغ پنجاه و نه تریلیون تومان در سال ۸۴ رساندند.
یعنی کلاه هایی گشاد از نمد بیت المال...

ملاحظه می کنید که تعریف ها در دستگاه های ارزشی مختلف، متفاوت است و در هر سیستمی، واژه ها معنای خود را دارند.

راستی شما در تعریف عوام وخواص چگونه می اندیشید و چه کسانی را عوام می دانید و چه کسانی راخواص؟

..... خبرهای درگوشی

.....
اصلاحیه:
در خبر دوازدهم همین ستون در شماره قبل، علامت «: « بعد از کلمه «حامی موسوی» چاپ نشده، که همین امر موجب سوء تفاهمهایی شده بود.
تحریریه مردمک ضمن عرض پوزش از خوانندگان محترم، متن اصلاح شده آن را تقدیم می کند:
«حامی موسوی : عوام، لرها و پنجاه هزار تومانی ها به کروبی رای می دهند.
مردمک: باز تخریب کروبی شروع شد، سر انتخابات مجلس هم مشارکتیها گفتن کروبی باید از الیگودرز کاندید بشه!»

۱- چهره‌ها

* احمدی نژاد :کسی حق ندارد به بهانه طرفداری از بنده علیه دیگران حرف بزند
* موسوی: حذف سازمان مدیریت و ادغام شوراها موجب افزایش نقدینگی شد
* احمدی نژاد :تحول در سازمان مدیریت الهام گرفته از طرح شهید رجایی بود
* موسوی : تا شب آخر انتخابات از احمدی نژاد انتقاد می کنم
* محسن رضایی: با وضعیت فعلی، کشور به سمت پرتگاه می رود
* کروبی : شرایط داخلی و خارجی ما مناسب نیست و این نشان از ضعف و ناتوانی دولت فعلی دارد

* هاشمی : برخی حسودان مزاحم کار جاسبی هستند

* کروبی : آنطرفی ها می خواهند جمعیت زیادی در انتخابات شرکت نکند تا در همان مرحله نخست کار را تمام کنند

* موسوی : ادبیات احمدی نژاد ادبیات خطرناکی است و با این ادبیات نمی توان کشور را اداره کرد

* محسن رضایی : دوبار وساطت میرحسین را پیش امام کردم

* محسن رضایی : اگر رئیس جمهور شوم احمدی نژاد را وزیر می کنم

۲- دیده‌ها

* بی بی سی : محافظه کاران با ورود محسن رضایی در حمایت از احمدی نژاد تردید می‌کنند

* یاری : بهمن قبادی، نامزد رکسانا صابری با مهدی کروبی دیدار کرد.

* شبکه ایران: به گزارش بانک مرکزی، دولت نهم طی ۱۰ ماهه سال گذشته، بیش از ۱۳ هزار میلیارد تومان در هزینه‌های جاری خود صرفه‌جویی کرده است.

* قلم: جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران در پی شایعه ای مبنی بر تردید این حزب در حمایت از موسوی، با صدور اطلاعیه ای بر حمایت خود از موسوی تأکید کرد.

* رجانویز: فائزه هاشمی از اینکه رنگ تیره و مرده مشکي پس از انقلاب به عنوان فرهنگ در چادر، مقتعه، مانتو و روسری زنان ایرانی وارد شد، اظهار تأسف کرد .

* کلمه نیوز: در پی دیدار حجة الاسلام والمسلمین کروبی با ساسی مانکن، خواننده رپ زیرزمینی، ترانه انتخاباتی با صدای ساسی برای تبلیغ شیخ اصلاحات به بازار می آید.

* شبکه ایران: سهم درآمد نفت، ۱۲ درصد در بودجه‌های دولت نهم کاهش یافت

۳- شنیده‌ها

* زاکانی : هاشمی به محسن رضایی گفته است که اگر ۱ میلیون رای از احمدی نژاد کم کنی باز هم مفید است

* روح . . . حسینیان: کسانی که خودشان در دولت گذشته، همه دولت را درخدمت خود و نزدیکانشان به کار گرفته بودند، بهتر است اتهام استفاده از امکانات دولتی برای انتخابات را به دیگران نزنند

* ثمره هاشمی از اعلام آمادگی احمدی نژاد برای مناظره با تمامی کاندیدا های ریاست جمهوری خبر داد

..... مسکن، سیب نیست!

.....
بررسی مقایسه‌ای عملکرد دولت‌ها در بخش مسکن(قسمت اول)
_ آقای کارشناس مشکل مسکن در کشور ما چگونه حل خواهد شد؟
_ کارشناس: راه حل آزاد سازی بازار است. باید بازار آزاد باشد تا تولید کننده و مصرف کننده به تفاهم برسند.

اما آیا این نظر _ که سراسر کتابهای درسی ما را دربرگرفته و هر روز در رسانه هایمان از سوی «اقتصاد خوان» های کشور تبلیغ می شود _ در مورد مسکن هم صادق است؟

اصولا اگر در میدان تره بار شهر ما، مقدار کمی سیب باشد و متقاضی زیادی داشته باشد، قیمت سیب بالا می رود.
با بالا رفتن قیمت، بخشی از متقاضیان که قیمت جدید را به صرفه نمی بینند از خیر سیب خریدن می گذرند و مثلا به جایش پرتقال می خرند.
لذا فروشنده مجبور می شود برای اینکه سیب ها روی دستش باد نکند، قیمت را پایین بکشد تا دوباره تقاضا برای سیب زیاد شود.
با تکرار این روند، نهایتا فروشنده و متقاضی به یک قیمت می رسند که همان «قیمت تعادلی» است و این را اصطلاحا بازار آزاد می گویند.

اما این قصه در مورد مسکن صادق نیست.
اولا بازار آزاد در جایی تعریف می شود که هر چه تقاضا بالا رود، عرضه هم بتواند پا به پای آن افزایش یابد.
لذا در کشوری مثل ایران که میزان تقاضا برای مسکن، بیش از تولید مسکن است، بازار آزاد، بی معناست.

ثانیا مسکن مثل سیب نیست که با بالا رفتن قیمت، خریدار از خیر آن بگذرد یا آن را با کالای دیگری جایگزین کند.
بالاخره فرد می تواند سیب نخورد ولی نمی تواند که توی جوب بخواهد تا در اثر کاهش تقاضا قیمت مسکن، پایین بیاید!
(مسکن ، کالایی بدون جانشین است)
لذا خریدار مجبور است هر بهایی را که فروشنده تعیین می کند، بابت مسکن بپردازد و به هر ساز مالک برقصد!
بازار مسکن در چنین شرایطی هرگز خود بخود به تعادل نمی رسد.
(شکست بازار)

همچنین اگر قیمت سیب بالا رود، بازرگانان خصوصی یا دولتی با واردات سیب از خارج، قیمت آن را تعدیل می کنند اما زمین، کالایی با منابع محدود است که نمی توان قیمت آن را با واردات، کنترل کرد.

لذا دولتهایی که در کنترل بخش مسکن موفق بوده اند هیچ گاه عنان بازار مسکن را به بخش خصوصی واگذار نکرده و بعضا تا ۷۰ در صد بخش مسکن کشورشان را دولتها بدست گرفته اند.
مسأله لزوم دخالت دولت در بخش مسکن، امری بسیار واضح است و شاه کلید حل معضل مسکن می باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تاکید شده است که دولت، موظف به تامین مسکن متناسب با نیاز، برای تمامی خانواده ها می باشد.

متاسفانه دولت های گذشته، هیچ کدام خود را موظف به تامین مسکن، آن هم به صورت متناسب با نیاز مردم، نمی دانستند.
تا جایی که وزیر پیشین مسکن، بارها صراحتا اعلام کرده بود که دولت متعهد به کنترل قیمت مسکن نیست و بدین ترتیب ابتدایی ترین اصل پذیرفته شده در دنیا در خصوص تامین مسکن را زیر پا نهاد.

جالب اینکه در دولت گذشته، زمین و تسهیلات ساخت را بدون هیچ مسئولیت پذیری به انبوه ساز واگذار می کردند تا او مسکن را بسازد و با لحاظ سود خود _ به هر میزان که صلاح می داند! _ مسکن را به قیمت بازار بفروشد.
بدین ترتیب دولت، ضمن واگذار کردن ابزارهای خود برای حل معضل مسکن به سرمایه داران خصوصی، متقاضی را در برابر انبوه ساز، بدون حمایت رها می کرد.

اما دولت نهم اولین دولتی است که به اصل ۳۱ قانون اساسی عمل کرده و خود را متعهد به تامین مسکن متناسب با نیاز برای مردم دانست.
از دیدگاه کارشناسان، پذیرفتن این اصل، اولین قدم برای حل معضل مسکن است.
لذا دولت نهم بجای اینکه زمین و تسهیلات ساخت را به دست انبوه ساز بسپارد و خود در کناری بنشیند و آنچه را انبوه سازان بر سر مردم می آورد نظاره کند، مستقیما زمین و تسهیلات ساخت را به دست مصرف کننده اصلی می رساند و انبوه ساز، تنها کار ساخت را انجام می دهد.
بدین ترتیب از سوداگری در بخش مسکن، جلوگیری می شود.

ادامه دارد..

محدوده دُم حضرات!؟

۲ – معدن انگوران و لایحه بودجه

اپیزود اول: یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه که سابقه نمایندگی از دوره سوم مجلس را دارد با استفاده از برخی امتیازات و انحصارات، معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان را در اختیار گرفته بود که با روی کار آمدن دولت نهم این امتیاز از وی سلب شد، علاوه بر این، ایشان انحصار آرد نانوایی ها را در اختیار دارد واز وی به عنوان «آرداللهی» یاد می شود و از این امتیاز برای یار کشی در مجلس استفاده می کند.

اپیزود دوم: از دلایل عمده تغییرات در بودجه های سالیانه، نفوذ ایشان در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس است.
تا آنجا که در دور اول سفر استانی دولت به استان زنجان(۸۵/۲/۷)، وی در جمع اعضای هیات دولت دولت و چند تن از نمایندگان مجلس، به صراحت بیان می کند که معدن انگوران را به وی باز گردانند تا او در لایحه بودجه اعمال نفوذ نکند.

لازم به ذکر است که یکی از اختلافهای اصلی دولت و مجلس، بر سر لایحه بودجه سالیانه است و در آخرین اقدام، مجلس بودجه ای را برای سال ۸۸ به تصویب رساند که به طور واضح، کسری ۸۵۰۰ میلیاردی دارد.
تا آنجا که حتی محمد رضا تابش، نماینده اردکان(خواهر زاده آقای خاتمی) نیز در کمیسون تلفیق به آن اعتراض کرد که «با تصویب این لایحه، اگر سال بعد این دولت نبود و دولت دیگری سر کار آمد، چه؟!
با این لایحه هر دولتی زمین می خورد»

اما در شرایطی که می شد با اعطای یک معدن ناقابل، رضایت مفسدین را جلب کرده و از این سنگ اندازیها جلوگیری کرد، دولت این کسری بودجه و تبعات آنرا به جان خرید تا در برابر زیاده خواهی اصحاب مافیا، تسلیم نشود.

آورده‌اند که...

..... هم پیمانی با شیطان،

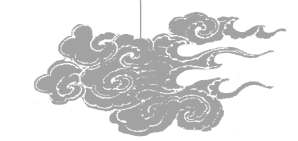
..... در راه خدا!

بسیاری مسبب اصلی جنگ جمل را عبدالله بن زبیر دانسته‌اند. وی به جهت نسبتی که با عایشه داشت توانست او را برای همراهی در جنگ راضی کند. امیرالمؤمنین (ع) نیز دربارهٔ او و پدرش، فرموده بود: «زبیر از طلحه به من نزدیک‌تر بود. او همیشه ما از اهل بیت بود تا آن‌که پسرش عبدالله بین ما و او جدایی انداخت.»

پس از شهادت امام حسین (ع)، او که خود را در حجاز بی‌رقیب می‌دید، کم‌کم شروع به بیعت گرفتن از مردم برای قیام علیه یزید نمود. از طرف حکومت، برادرش عمروبن زبیر، مأمور به مقابله با وی شد. در جنگی که در نزدیکی مکه رخ داد، سپاه اموی شکست خورد و عمرو که به سختی مجروح شده بود، به اسارت در آمد و تحت شکنجه جان داد. عبدالله به تدریج بر نواحی بیشتری از قلمرو اسلامی تسلط یافت و تا مدّتی حاکمان مدینه و طائف و بصره و کوفه از سوی او تعیین می‌شدند. حکومت او بر مکه تا سال ۷۳ هجری ادامه یافت و با حملهٔ حجاج ابن یوسف و اهانت‌های بسیار به بیت‌الله الحرام، از میان رفت.

هر چند که وی طرفدار عثمان بود و با اهل بیت (ع) دشمنی بسیار داشت، اما اشتراک منافع باعث شده بود که بسیاری از مخالفین (مانند خوارج) را نیز به دور خود جمع نماید؛ چنان که از وی نقل شده که «لو أعاننی الشیطان علی أهل الشام، لقبلتَه». حتی اگر شیطان در برابر اهل شام از من دفاع کند، کمکش را خواهم پذیرفت.





« این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروتها در گوشه‌یی به نفع یک عده انبار شود و عده‌ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسؤولیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند»

۸۳/۳/۱۴

مقام معظم رهبری

مدیرمسئول: جواد درویش

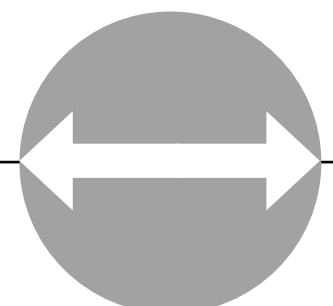
همکاران این شماره: عباس دانش طلب،

محمد جواد اخوان، ابوالفضل اقبالی، هادی آگاهی، مصطفی باهنر

وبلاگ: www.mardomak-mag.blogfa.com

پست الکترونیک: Mardomak.mag@gmail.com

لطفاً نظرات و پیشنهادات خود را از طریق پیام کوتاه با شماره ۰۹۳۷۲۱۳۰۵۷۶ یا ما در میان بگذارید
حق هرگونه چاپ و توزیع و انتشار و استفاده مطالب با (با بدون) ذکر نام، برای مردمک محفوظ نیست!
مردمک را پس از مطالعه در اختیار دیگران قرار دهید و در نگهداری آن کوشا باشید!!



Design by saeed dinnanah

طنز

..... همه خوبند!

ستاد انتخابات کشور، روز ثبت نام کاندیداها:

مجری تلویزیون، میکروفن به دست، به دوربین زل زده و به زور می‌خواهد لبخندی به صورتش بچسباند. کارگردان ۱۰، ۱۲ بار «کات» می‌دهد که؛ لبخندت گیرا نیست. مجری بخت برگشته که برای گیرا شدن، صورت را شش تیغه کرده و زیرابروها را هم برداشته، حالا با دست، لبهایش را به طرفین می‌کشد تا بلکه لبخند مورد رضایت کارگردان، حاصل شود. فیلمبردار هم تلاش مذبوحانه‌ای به خرج می‌دهد تا خانمهای بدحجاب رهگذر، توی فیلم نیفتند. بالاخره کارگردان رضایت می‌دهد و مجری با همان لبخند بلاهت بار (گیرا) شروع می‌کند:

بسم ... الرحمن الرحیم. با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد... امروز به ستاد انتخابات کشور آمدم تا در آخرین دقایق ثبت نام از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری، با چند تن از آنها مصاحبه کنیم. ابتدا به سراغ دکتر احمدی نژاد می‌رویم...

- آقای دکتر، ابتدا توضیح دهید که با چه هدفی در این دوره کاندیدا شدید؟

- بسم ... الرحمن الرحیم. آنها می‌گویند **احمدی نژاد** در انتخابات کاندیدا نشود. ما می‌گوییم عجب... چطور شما و اطرافیانتان کاندیدا شوید ولی ما نشویم؟ بنده به کوری چشم دشمنان در همه انتخاباتها کاندیدا می‌شوم.

- لطفاً درباره شعارهای انتخاباتی خود در دور قبل و میزان دستیابی به آنها توضیح دهید.

- همانطور که می‌دانید شعار انتخاباتی من در دور قبل، تشکیل کابینه ۷۰ میلیونی بود که الحمدا... با تغییرات مداوم در کابینه، توانستم بخش عمده‌ای از ۷۰ میلیون نفر را برای مدتی در کابینه قرار دهم. البته شعار من در این دوره، کابینه ۷۰ میلیون به اضافه یک نفری خواهد بود.

- یعنی چی؟

- یعنی همه ۷۰ میلیون نفر را بصورت دوره‌ای به عضویت کابینه در می‌آورم ولی یک نفر که همان آقای رحیم مشایی است بصورت دائم در کابینه، عضو خواهند بود.

- درصورت موفقیت در انتخابات... ببخشید آقای زریابان! یه مقدار کنار بروید تا آقای احمدی نژاد توی تصویر بیفتند. عرض می‌کردم... در صورت موفقیت در انتخابات، چه اهدافی را پیگیری می‌کنید؟

- بنده در ۴ سال آینده کلا همه چیز را ۸ برابر ۲۵ سال گذشته می‌کنم.

- خیلی ممنون. خب بینندگان عزیز، بنده آقای مهندس موسوی را می‌بینم که به طرف ما می‌آیند و پشت سر ایشان هم آقای آرمین و آقای بهزاد... بله؟ نکویم؟ باشه چشم! به هر حال گفتگویی هم با آقای موسوی انجام می‌دهیم.

- ابتدا بفرمایید هدف شما از شرکت در انتخابات چیست؟

- والا آن موقع که ما بودیم همیشه قواعد بازی قدرت را رعایت می‌کردیم. ولی الآن کسانی سر کار آمده‌اند که نه تنها قواعد این بازی را رعایت نمی‌کنند بلکه متأسفانه اصلاً اعتقادی به بازی قدرت ندارند.

- رابطه شما با احزاب اصلاح طلب و اصولگرا چگونه است؟

- بارها گفته‌ام که بنده اصلاح طلبی هستم که به اصولگراها مراجعه می‌کنم، دهانشان را سرویس می‌کنم و برمی‌گردم پیش دوستان اصلاح طلب.

- دیدگاه شما درباره انقلاب اسلامی چیست؟

- خوب است.

- نظرتان درباره مبارزه با استکبار جهانی؟

- بسیار عالی.

- لیبرالیسم؟

- خیلی خوب است.

- ولی این دو که با هم تناقض دارند!

- زیاد سوال می‌پرسی. قهر می‌کنم استعفا می‌دم ها!

- نه... ببخشید. شعار اصلی شما در انتخابات چیست؟

- «همه خوبند»

- شما برای موفقیت در انتخابات، چه اقداماتی انجام می‌دهید؟

- از آنجا که ما مثل بعضیها پول نداریم که سر چهارراهها آش و سبب زمینی توزیع کنیم

لذا سر چهارراهها شال و تی شرت بین مردم توزیع می‌کنیم.

- در صورتی که بعنوان رئیس جمهور انتخاب شوید چه اهدافی را پیگیری می‌کنید؟

- بنده بررسی می‌کنم که احمدی نژاد چه کارهایی انجام داده، آن کارها را انجام نمی‌دهم.

- ... بینندگان عزیز، در آن گوشه ستاد، یک درگیری ایجاد شده. اجازه بدهید ببینم... بله...

آقای **کروبی** در وسط معرکه هستند. بگذارید ماجرا را از خودشان بپرسیم.

- آقای کروبی!

- ولم کن بذار بزمنش!

- آقای کروبی!

- بله؟ چی میگی؟

- چی شده؟ چرا اینقدر عصبانی هستید؟

- آقا من ساعت ۱۲ ظهر، نیم ساعت یک چرتی زدم بعد آمدم ستاد. این آقایان می‌گویند مهلت ثبت نام تمام شده. نامردها مرا ثبت نام نمی‌کنند.

- ولی الآن که ساعت ۵ بعد از ظهر است. فکر کنم خواب مانده‌اید و یک چرت ۴ ساعته زده‌اید.

- من نمی‌دانم. اینها همه اش توطئه است.

دوربین آقای قوچانی را نشان می‌دهد که یک خودکار و کاغذ به دست کروبی می‌دهد. کرباسچی دولا شده و کروبی کاغذ را روی کمرش گذاشت و نامه‌ای خطاب به کارمند ستاد انتخابات نوشت: «... تویی که نشستنی پشت میز و منو ثبت نام نمی‌کنی. تو اصلاً چند کلاس سواد داری؟ با این هیکت! تو اصلاً تا حالا امام رو دیدی؟ میدونی من چند بار امام رو دیدم؟ اصلاً خیلی وقتها که زود می‌رفتیم جماران، اون جلوها جا گیرمان می‌آمد و از نزدیک نزدیک، امام رو می‌دیدیم. حتی یک بار، موسوی خوینی ها، من رو فرستاد اون بالا و امام دست کشید روی سرم...»

خب بینندگان عزیز... به انتهای این برنامه رسیدیم تا برنامه بعد خدانگهدار.

راستی آقای محسن رضایی هم جهت ثبت نام به ستاد انتخابات مراجعه کردند. ولی چون وقت برنامه محدود است، با کسب اجازه از آقای هاشمی رفسنجانی، آقا محسن را مثل یک دیوار بتنی فرض کرده و از رویش پل می‌زنیم می‌رویم.

تا برنامه بعد...

سایه روشن تاریخ

مروری بر خاطرات دولتمردان و سیاستون چند صباح پیش

آزادی بیان، در زمان دوستان جدیدا اصلاح طلب!

احمد توکلی، وزیر کار دولت مهندس موسوی در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، خاطره‌ای را از سال ۶۷ بیان کرد:

«... در سال ۶۷ دولت موسوی لایحه‌ای را با مهر سری به مجلس تحویل داد. من این مسئله را در روزنامه رسالت افشا کردم و عنوان کردم که ما لایحه سری نداریم.

من در آن مقاله گفتم که موضوع لایحه، استقراض جدید از بانک مرکزی است که اثر تورمی دارد؛ اما آن زمان اکثریت مجلس حامی آقای موسوی بود و ۱۳۷ نفر از نمایندگان علیه من بیانیه سیاسی بسیار تندی صادر کردند که بعدها همه آنها تقریباً جزو اصلاح‌طلبان شدند و مدعی آزادی بیان و فضای باز سیاسی.

من یک نامه خصوصی به آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس وقت مجلس) نوشتم و خطاب به ایشان گفتم که این بدعت را نگذارید زیرا شما با این بدعت در تاریخ بدنام می‌شوید؛ تحت تأثیر انتشار لایحه در روزنامه، آنها مجبور شدند لایحه را علنی کنند و وصول آن را هم اعلام کنند اما دولت علیه من اعلام جرم کرد و شاکی هم عطاءالله مهاجرانی بود که بعدها مدعی شد که هیچ‌کس نباید از هیچ روزنامه‌نگاری شکایت کند، بلکه فقط مدیر مسوول باید پاسخگو باشد.

بعد از آن من سه جلسه بازپرسی رفتم، بازپرس می‌گفت جریان چیست که هر روز صبح -که آقای موسوی اردبیلی حامی آقای موسوی بود- تماس می‌گیرد و می‌گوید پرونده به کجا رسیده است؟

در این پرونده - که دولت شاکی بود و اکثریت مجلس نیز حامی آن بودند و رییس قوه‌ی قضاییه و رییس دیوان عالی کشور پیگیر این پرونده بودند - بازپرس، شجاعانه برای من قرار منع تعقیب صادر کرد و این از افتخارات جمهوری اسلامی است.

شماره چهارم ۸



شماره چهارم ۷



شماره چهارم ۶



شماره‌ی چهارم هفته سوم اردیبهشت ماه ۸۸



ماعوامیم!

هم پیمانی با شیطان، در راه خدا!

همه خوبند!

آزادی بیان، در زمان دوستان جدیدا اصلاح طلب!